

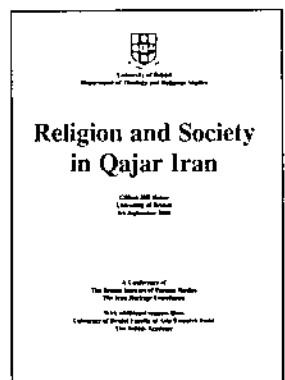


کنفرانس جامعه و مذهب در ایران عصر قاجار

دانشگاه بریستول.

انگلستان، ۶-۴ سپتامبر ۲۰۰۰

● دکتر منصور صفت گل



کتاب ماه تاریخ و جغرافیا
مهر ۱۳۷۸



۱۳۷۸

پژوهش‌های ایران‌شناسی در سال‌های اخیر با تأکید بیشتر بر بررسی روشمند تحولات سیاسی و اجتماعی و مذهبی ایران صورت می‌گیرد و رفته رفته رونق می‌یابد. در اروپا این پژوهش‌ها رونق خاصی یافته است و طی چند سال اخیر، چند گردهم‌آیی بزرگ و کوچک علمی درباره موضوع ایران‌شناسی برپا شده است که برای نمونه می‌توان از کنفرانس «منابع تاریخ اقتصادی ایران» در دانشگاه استراسبورگ (فرانسه ۱۹۹۷)، سومین میزگرد بین‌المللی صفویه‌شناسان در دانشگاه ادینبورگ (اسکاتلند ۱۹۹۸)، چهارمین گردهم‌آیی جامعه ایران‌شناسان اروپا در دانشگاه پاریس (فرانسه ۱۹۹۸) و کنفرانس فرهنگ و تمدن ایران عصر قاجار در دانشگاه لندن در SOAS (لندن ۱۹۹۹) یاد کرد و آخرین کنفرانس بزرگ ایران‌شناسی در اروپا که موضوع این گزارش است، در شهریور ماه سال جاری در دانشگاه بریستول (انگلستان، ۲۰۰۰) برگزار گردید. گرچه یادآوری این مطلب ضروری است که این کنفرانس‌ها محدود به همین موارد و نیز اروپا نمی‌شوند. در دیگر قاره‌ها، در آمریکا و نیز ژاپن کنفرانس‌های ایران‌شناسی برگزار می‌شوند که برای نمونه می‌توان به گردهم‌آیی یک روزه‌ای که سال گذشته در مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه توکیو برگزار گردید، اشاره کرد. این کنفرانس که بخشی از یک برنامه بزرگ پژوهشی دانشمندان ژاپنی به نام «مطالعات حوزه جهان اسلام» بود، با همت دکتر نوبوکی کندو، استاد تاریخ و زبان فارسی در دانشگاه متروپولیتن توکیو، و با عنوان «مواد آرشیوی تاریخ‌نگاری در ایران» با شرکت چند تن از پژوهشگران از سراسر دنیا، در ماه دسامبر سال ۱۹۹۹ میلادی در مؤسسه مطالعات شرقی دانشگاه توکیو و با پشتیبانی پروفیسور ماساشی هاته‌دا، صفویه‌شناس برجسته ژاپنی برگزار گردید.

طی سه چهار سال اخیر، با همت دکتر رابرت گلیو، استاد مطالعات

اسلامی در دانشگاه بریستول، زمینه برای ایجاد یک برنامه پژوهشی درباره جامعه و مذهب در ایران عصر قاجار فراهم شد. نخستین دستاورد این برنامه پژوهشی، کنفرانس کوچک یک روزه‌ای بود که در سال ۱۹۹۸ میلادی در کالج سنت‌آنتونی، دانشگاه آکسفورد برگزار گردید.^۱ در این گردهم‌آیی، سیزده سخنران مقالات خویش را ارائه کردند. برنامه نهایی این طرح، کنفرانس بزرگی بود که از تاریخ چهارم تا ششم سپتامبر سال میلادی جاری، در دانشگاه بریستول برگزار گردید.^۲

دانشگاه بریستول تا چندی پیش از دیدگاه برنامه‌های پژوهشی مربوط به ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی چندان آوازه‌ای نداشت. اخیراً با حضور یک محقق جوان و پرشور مطالعات مربوط به ایران و مخصوصاً جهان تشیع، و ایجاد کرسی مطالعات اسلامی در دپارتمان الهیات و مطالعات مذهبی این دانشگاه، رفته رفته بریستول در

◀ کنفرانس «جامعه و مذهب در ایران عصر قاجار» در دانشگاه بریستول، در سه روز انجام شد. در خلال این سه روز، بیست و شش سخنران، مقالات خویش را که عمدتاً درباره موضوعات مذهبی ایران در این دوران بود، ارائه کردند. از مجموع این سخنرانان، چهار سخنران از ایران و بقیه از کشورهای انگلستان، آمریکا، آلمان، فرانسه و ژاپن بودند

◀ کتاب فوآئد الشیرازیه یک دوره تاریخ تحول مناظره مذهبی اخباری و اصولی را در ایران تا اواسط قرن سیزدهم هجری قمری دربردارد

آستانه شاه عبدالعظیم
طرح از کتاب: ایران و ایرانیان.
نوشته: س. ج. بویدجامین.
چاپ: ۱۸۸۷ م.



نازگی رئیس گروه الهیات و مطالعات مذهبی در دانشگاه بریستول شده است و در زمینه مطالعات بودایی تخصص دارد، به میهمانان خوش آمد گفت و از اینکه برای نخستین بار به همت دکتر رابرت گلیو، عضو گروه آنها و نیز مدیر برنامه جامعه و مذهب در ایران عصر قاجار، کنفرانسی بزرگ درباره ایران در دانشگاه آنها برگزار می‌شود، ابراز خرسندی کرد و آن را زمینه‌ای برای گسترش مطالعات اسلامی در دانشگاه بریستول دانست. سپس آقای فرهاد حکیم‌زاده، مدیر «بنیاد میراث ایران» که بنیادی غیرانتفاعی است و در حوزه پژوهش‌های مربوط به تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران فعالیت می‌کند و همچنین از حامیان این کنفرانس بود، طی سخنانی بر اهمیت این مطالعات و علاقمندی «بنیاد میراث ایران» برای حمایت از چنین پژوهش‌هایی تأکید کرد. پس از آن دکتر رابرت گلیو برنامه رسمی علمی کنفرانس را آغاز کرد.

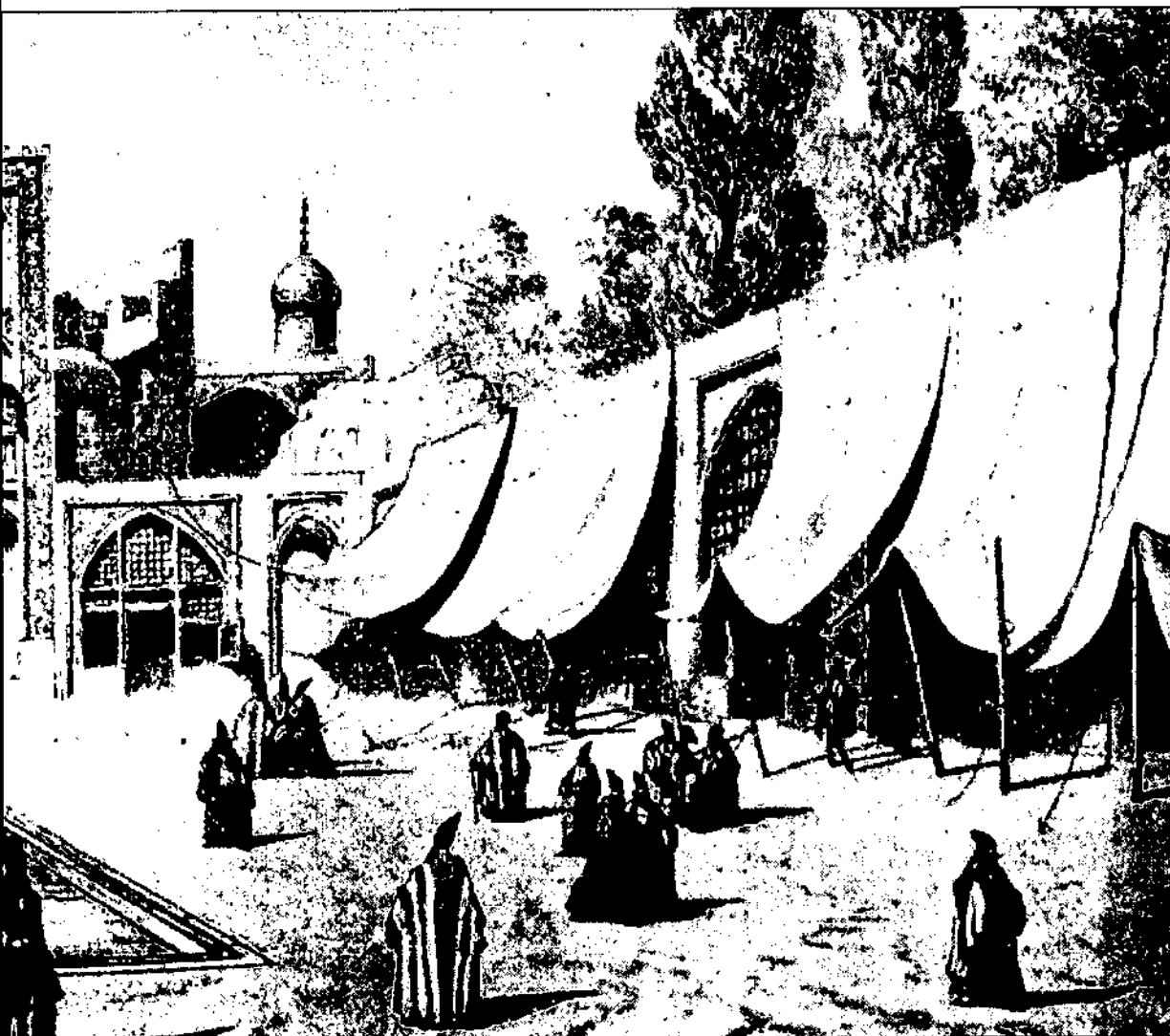
در نخستین جلسه سخنرانی‌ها، دکتر سعید امیرارجمند (استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه ایالتی نیویورک) و دکتر منصور صفت‌گل (از دانشگاه تهران) سخنرانی کردند. موضوع سخنرانی دکتر امیر ارجمند، «حقوق عمومی و اخلاق سیاسی در اوائل عهد قاجار» بود. از دید دکتر امیر ارجمند این موضوع شباهتی به آنچه در سده بیستم میلادی در حوزه حقوق مطرح بود، نداشت و در اوائل عهد قاجار حقوق عمومی و اخلاق سیاسی بیشتر با تأکید بر روند سنتی آن مطرح بود. دکتر امیر ارجمند در این باره به دیدگاه‌های مجتهدانی چون میرزا ابوالقاسم قمی، شیخ جعفر کشفی، ملا احمد نراقی، محمد حسن نجفی و عالم کمتر شناخته‌ای مانند سید میر عبدالفتاح مراغی اشاره کرد. به گفته او آثار این دسته از علماء را به همراه متن دستور الاعقاب تألیف میرزامهدی بدایع نگار می‌توان به عنوان منابعی مهم برای بررسی این روند در نظر گرفت.

شمار دانشگاه‌هایی قرار می‌گیرد که در کشور انگلستان در این حوزه به پژوهش و آموزش می‌پردازند. طی چند سال اخیر شمار فراوانی از کتاب‌ها شامل منابع اصلی و پژوهش‌های جدید به زبان فارسی و عربی به مجموعه کتابخانه دانشگاه افزوده شده است و در همین کنفرانس رئیس گروه الهیات اعلام کرد که دانشگاه درصدد گسترش مطالعات اسلامی در آن گروه است.

کنفرانس «جامعه و مذهب در ایران عصر قاجار»، در دانشگاه بریستول، در سه روز انجام شد. در خلال این سه روز، بیست و شش سخنران، مقالات خویش را که عمدتاً درباره موضوعات مذهبی ایران در این دوران بود، ارائه کردند. از مجموع این سخنرانان، چهار سخنران از ایران و بقیه از کشورهای انگلستان، آمریکا، آلمان، فرانسه و ژاپن بودند.

در نخستین روز آغاز برنامه، ابتدا پروفیسور پاول ویلیامز که به

This Conference is dedicated
to the memory of
John (Yahya) Cooper
E. G. Browne Lecturer in Persian Studies,
University of Cambridge
(b.1947, d.1998)



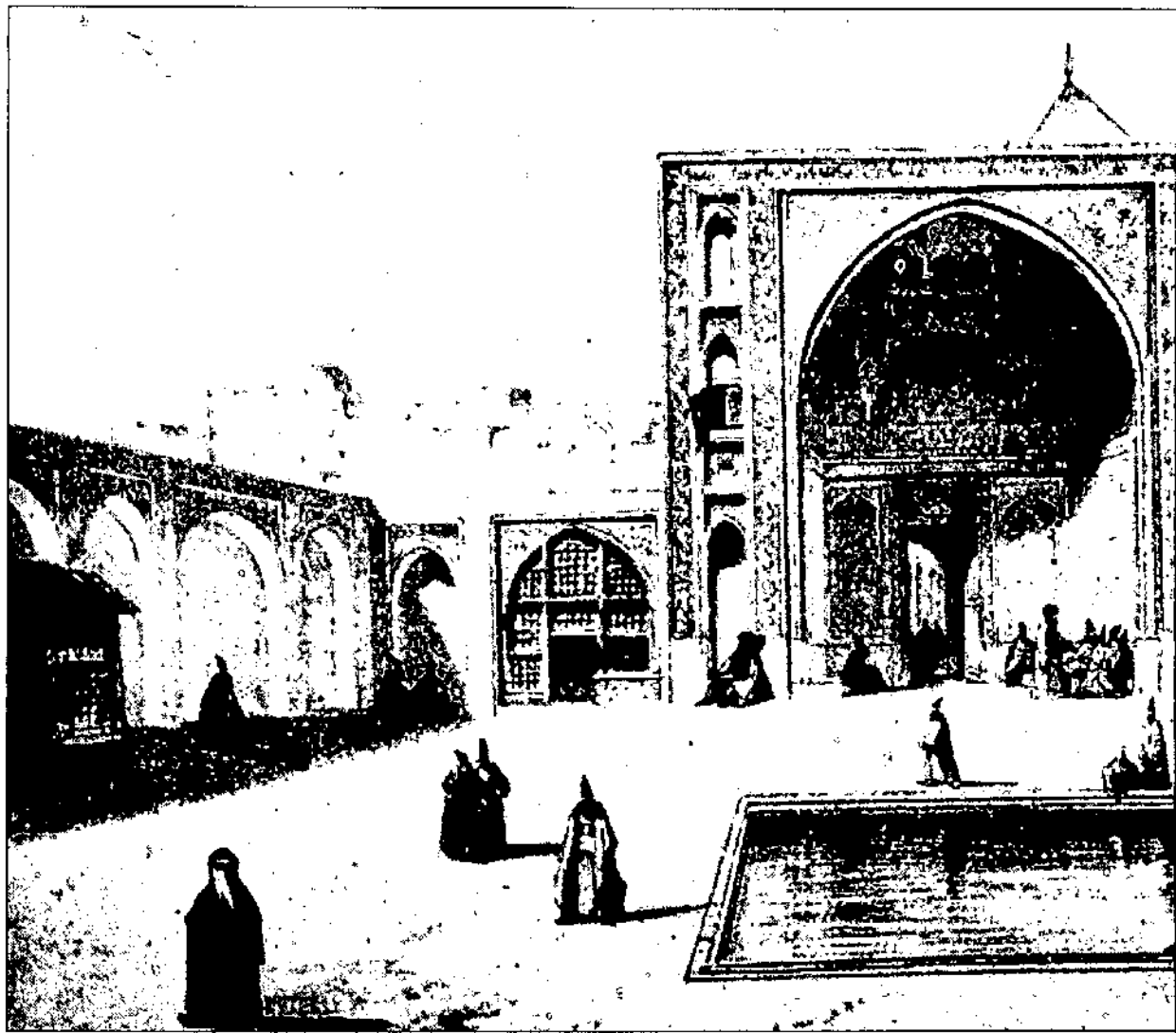
پس از دکتر سعید امیرارجمند، دکتر منصور صفت گل مقاله خویش را درباره «تداوم و تحول الگوی دیوانی دین صفوی در عهد اول قاجار» ارائه کرد. موضوع اصلی مورد بررسی در این سخنرانی، این بود که علیرغم وجود پژوهش‌های گاه ارزنده درباره ساختار دینی ایران در عهد قاجار، به ویژه از آغاز تا فرمانروایی ناصرالدین شاه، هنوز جای یک پژوهش همه‌سویه درباره ساختار دیوانی دینی در این دوران خالی است. زیرا به دلایلی گوناگون، کانون تمرکز بیشتر این پژوهش‌ها بر ساختار مذهبی به طور عام تأکید داشته است. عواملی چون ویژگی چشمگیر رویدادهای سیاسی و اجتماعی که منجر به حضور نیرومند رهبران مذهبی در آن‌ها شد، جنگ‌های ایران و روسیه و از همه مهمتر تحولات مشروطه‌خواهی و تکاپوهای مجتهدان بزرگ سبب شدند تا بیشتر پژوهش‌ها درباره آراء و اندیشه‌ها و رفتار سیاسی و اجتماعی همین بخش از جامعه رهبران مذهبی یعنی مجتهدان بزرگ صورت گیرد. حال آنکه بخش مهمی از ساختار دینی ایران در این دوران بنا بر الگوی ریشه‌دار صفوی بر گونه بخشی از ساختار دیوانی اما در صورت دینی آن فعالیت می‌کردند. چگونگی این فعالیت و مناصب مربوط به آنها و تحولات آن و تفاوت‌ها و همانندی‌های آن با عصر صفوی موضوع این سخنرانی بود.

موضوع مقاله بعدی از دکتر ا. شنایدر، «مذهب و قضاوت دولتی در عهد ناصرالدین شاه» بود. از دیدگاه او قضاوت شرعی و عرفی از روزگاران قدیم به همراه هم در ایران وجود داشت. با این همه کارکرد هر بخش در ادوار مختلف متفاوت بود. از دیدگاه نویسنده، از نیمه‌های سده نوزدهم، ناصرالدین شاه کوشید تا نظام دادرسی را

متمرکز کرده و حوزه عرفی را گسترش دهد. دکتر ا. شنایدر در این مقاله روند جریان تقدیم کتابچه‌های مظالم به ناصرالدین شاه را در فاصله سال‌های ۱۸۸۲ تا ۱۸۸۵ میلادی و پاسخ‌های ناصرالدین شاه به آنها را بررسی کرد و همچنین به موضوع دیوان مظالم در این باره توجه کرد. مدیر جلسه صبح دکتر پاول لوفت، استاد بازنشسته مطالعات ایرانی در دانشگاه منچستر بود.

سخنران‌های بعدازظهر روز چهارم سپتامبر، سه نفر بودند. ابتدا دکتر عباس امانت استاد گروه تاریخ دانشگاه ییل (Yale) در آمریکا درباره «مجتهدان و مبلغان مسیحی: پاسخ‌ها و واکنش‌های شیعیان به تبلیغ‌گری‌های مسیحی در اوائل عهد قاجار» سخنرانی کرد. محور اصلی سخنرانی دکتر امانت، واکنش جامعه شیعی نسبت به آوازه‌گری‌ها و تبلیغات نخستین مبلغین مسیحی انگلیسی مخصوصاً هنری مارتین، کشیش و مبلغ عضو Church Missionary Society بود. مارتین در خلال اقامت خویش در ایران در سال ۱۸۰۹ درگیر یک رشته مجادلات مذهبی با مجتهدان شیعه شد و علاوه بر ترجمه عهد جدید که آن را در ایران به کمک یک شیرازی مورد تجدیدنظر قرار داد، با ترجمه مباحثات جدلی مسیحی قرون میانه نیز سر و کار پیدا کرد. دیدگاه‌های مارتین خشم علمای شیعه را برانگیخت و آنان دست به نگارش آثاری زدند که به ظهور یک نوع ویژه تألیفات مذهبی به صورت «ردّ پادری» انجامید. دکتر امانت بر این مطلب تأکید کرد که موضوع مسافرت مارتین به شیراز و نگارش آثاری بر ضد اسلام و جریان ردیه‌های مربوط به او به نحو بایسته‌ای مورد مطالعه قرار نگرفته است. همینجا این مطلب را باید اضافه کرد که علیرغم اینکه اظهار نظر دکتر امانت درباره اینکه

ایوان ورودی مسجد سلطانی (۵۷-۲۵۶ هـ.ق)
 طرح از کتاب: سفر در ایران
 نوشته: اوژن فلاندن و پاسکال کست
 چاپ: ۴۱-۱۸۴۰ م.



استفاده می‌کردند و چنین به نظر می‌آمد که قصد دارند ایرانیان را به دین خویش درآورند، اما اگر به نحوه فعالیت آنان دقت شود، روشن می‌شود که آنان می‌دانستند که قادر نیستند شمار زیادی از ایرانیان را به آئین پروتستان درآورند. بنابراین بیشتر بر افراد و حیات آنها تأکید کردند و کوشیدند تا در زمینه مسائل آموزشی و طبی فعالیت کنند و بدین ترتیب در مدارس و بیمارستان‌ها ایرانیان را با شیوه‌های جدید زندگی آشنا نمایند. گرچه آنان این فعالیت‌ها را فعالیت‌های مسیحی تلقی کردند اما تمرکز این فعالیت‌ها بر علم، خرد و خوداتکائی بود. نکته‌ای که آقای زیرنسیکی از این موضوع بر آن تأکید می‌کرد این بود که همین فعالیت‌ها زمینه را برای گرایش‌های نوگرایانه در ایران آماده کرد. روشن است که در این زمینه زیرنسیکی مجموعه عوامل منجر به تحولات معاصر ایران را به یک عامل محدود می‌کند.

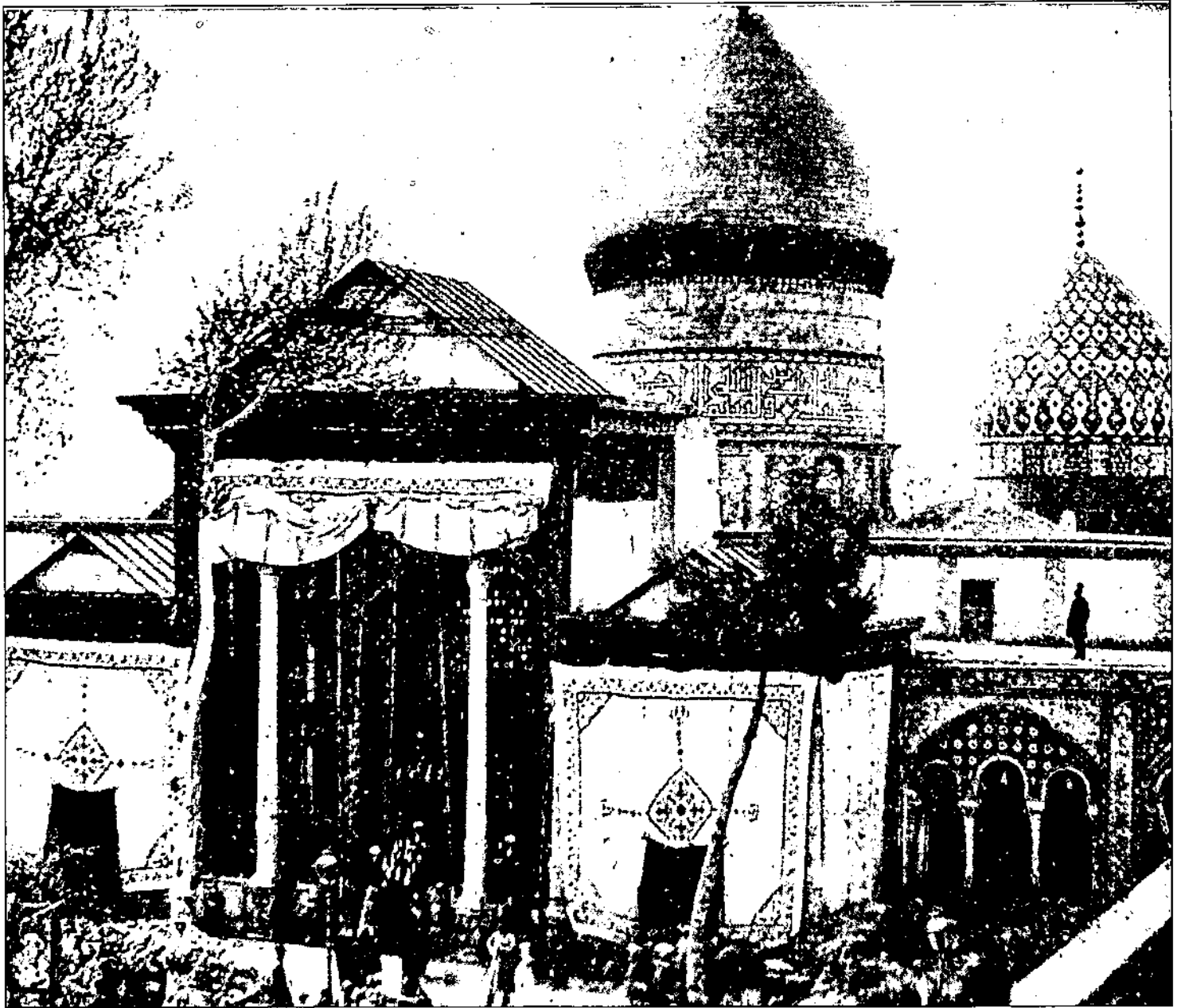
سخنران پس از آقای زیرنسیکی خانم Hellot از فرانسه بود که درباره فعالیت‌های جامعه مسیحیان در غرب ایران به ویژه در منطقه ارومیه سخنرانی کرد. از دید او حوادثی چون انقلاب مشروطیت در ایران، اشغال بخش‌هایی از غرب و شمال غرب ایران از سوی روس‌ها و عثمانی‌ها و جنگ جهانی اول بر میزان جمعیت مسیحی غرب دریاچه ارومیه تأثیر گذاشت.

در جلسه دوم بعد از ظهر روز چهارم سپتامبر/ چهارده شهریور دو سخنرانی انجام شد. ابتدا آقای کامران آقای درباره «مراسم محرم و کارکرد اجتماعی و روابط سیاسی ناشی از آن در تهران در دوره قاجار» سخنرانی کرد. از دید او، به دلیل تغییر فضای شهری و افزایش جمعیت تهران در اواخر قرن نوزدهم میلادی، مراسم محرم

این موضوع به پژوهش بیشتری نیاز دارد، اما طی سالهای اخیر مخصوصاً زنده یاد دکتر عبدالهادی حائری در کتاب نخستین رویاروئیهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، به طور مفصل موضوع هنری مارتین و ردیه‌های مرتبط با او را بررسی کرده است.^۳ پس از انتشار این کتاب، حجة الاسلام رسول جعفریان طی مقاله‌ای پاره‌ای منابع جدید را نیز درباره موضوع ردیه‌ها معرفی کرد.

پس از سخنرانی دکتر امانت، آقای زیرنسیکی درباره هیئت مبلغین پوز بئیریان^۴ در ایران سخنرانی کرد. آقای زیرنسیکی در سخنرانی خویش این مطلب را مورد نظر قرار داد که در ایران پس از انقلاب اسلامی، ایرانیان آمریکا را به عنوان یک قدرت امپریالیستی مورد حمله قرار دادند. از دید او نخستین سرچشمه‌های حضور آمریکاییان در ایران، با حضور مبلغین کالونیست در عهد قاجار بود که با استفاده از قانون کاپیتولاسیون به فعالیت در ارومیه پرداختند. پس از قرارداد سال ۱۹۰۷، مبلغین آمریکایی و هیئت‌های تبلیغگری مسیحی عمدتاً در ایران فعال بودند. به دلیل همکاری این هیئت‌های مبلغین با حکومت‌های انگلستان و آمریکا در خلال جنگ جهانی و پس از آن در دوره جنگ سرد، بسیاری از ایرانیان، مبلغین آمریکایی را امپریالیست می‌دانند.

زیرنسیکی معتقد است برخلاف این نظر ایرانیان، خود مبلغین مسیحی چنین گمانی درباره خود ندارند. به گفته زیرنسیکی این مبلغین آمریکایی به خودشان نه به عنوان عامل امپریالیسم بلکه به چشم افرادی که در خدمت ایرانیان هستند، نگاه می‌کردند. زیرنسیکی می‌گوید البته آنان در فعالیت خود از شیوه‌های مسیحی



آستانه شاه عبدالعظیم
عکس از کتاب: قلب مشرق.
نوشته: میشل مایر شومیکر.
چاپ: ۱۹۰۴ م.

خراسان

- ۳- کودتای ۱۹۲۱ [اسفند ۱۲۹۹]
- ۴- مهاجرت علمای عتبات به خراسان
- ۵- واقعه جمهوری خواهی
- ۶- تأسیس سلسله پهلوی

آقای تفرشی در سخنرانی خویش ابتدا به کوتاهی درباره نقش علمای برجسته در خراسان، سپس درباره حوزه علمیه مشهد سخن گفت و سرانجام موضوع ظهور و سقوط ملی گرایی مذهبی در خراسان را مورد بررسی قرار داد. خواست او از این بحث این بود که نشان دهد چگونه و چرا حوزه علمیه مشهد دچار رکود شد و در عین حال چه تأثیری بر سایر نواحی ایران گذاشت. جلسات سخنرانی روز نخست، عصر این روز در ساعت ۱۸ / ۳۰ پایان یافت.

در دومین روز کنفرانس، یعنی روز سه شنبه پنجم سپتامبر / پانزدهم شهریور، در جلسات صبح و عصر ۹ سخنرانی انجام شد. در جلسات صبح ۵ سخنرانی صورت گرفت. ابتدا دکتر رابرت گلیو از گروه مطالعات مذهبی دانشگاه بریستول و مدیر برنامه پژوهشی جامعه و مذهب در ایران عصر قاجار به همراه دکتر منصور صفت گل مشترکاً نتایج بررسی های خویش درباره یک نسخه خطی بسیار مهم اما ناشناخته درباره تاریخ تحول اندیشه دینی در ایران را ارائه دادند.

ویژگی های ناشی از خاستگاه گروه ها و جماعت های مختلفی را یافت که از نواحی گوناگون در تهران ساکن شده بودند. تأکید اصلی او بر این مطلب بود که دولت قاجار، نخبگان نوگرا و حتی رضاشاه نتوانستند فرایند تحول اجتماعی موجود در جامعه ایرانی را از سال ۱۸۵۰ تا ۱۹۳۰ تحت نظارت خود درآورند.

پس از او، آقای مجید تفرشی از دانشگاه لندن سخنرانی کرد. موضوع سخنرانی آقای مجید تفرشی درباره « تحول رهبری و مطالعات مذهبی در خراسان در فاصله سال های ۱۹۰۵ تا ۱۹۲۵ میلادی » بود. او با تأکید بر اینکه شهر مشهد برای ایرانیان از دیرباز یک مرکز مهم مذهبی بوده یادآور شد که حوزه علمیه مشهد نیز از مهمترین کانون های مطالعات دینی به شمار می رفته است. حوزه علمیه مشهد و علمای آن پس از انقلاب مشروطیت ایران به میزان زیادی درگیر امور سیاسی و اجتماعی شدند. از دید او بین سال های ۱۹۰۵ تا ۱۹۲۵، سال های ضعف حوزه علمیه اصفهان تا تأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت الله شیخ عبدالکریم حائری بود. در حالی که در همین سال ها، حوزه مشهد دوباره اهمیت خویش را بازیافت. حوادثی که منجر به این رویداد شد عبارت بودند از:

- ۱- جنگ جهانی یکم و ظهور ملی گرایی مذهبی در خراسان
- ۲- تأثیر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه بر تکاپوهای مذهبی در

این نسخه مهم فوائد الشیرازی^۶ نام دارد که توسط یک عالم گمنام به نام فتحعلی زند نوشته شده است. اهمیت فوائد الشیرازی در این است که یک دوره تاریخ تحول مناظره مذهبی اخباری و اصولی را در ایران تا اواسط قرن سیزدهم هجری قمری دربر دارد. نکته مهم دیگر این است که نویسنده آن احتمالاً از اعضای برجسته خاندان زند و به تصریح خود مؤلف نوه کریم خان زند بوده است. بررسی این متن نشان می‌دهد که علیرغم پژوهش‌های مربوط به عصر قاجار که معمولاً بر این باورند که گرایش اخباری اندیشه دین در ایران پس از قتل میرزا محمد اخباری در عتبات (۱۲۳۲ قمری) دچار شکستی کامل شد، هواداران این گرایش پس از آن به بازاندیشی در ماهیت مناظره و روش خویش پرداختند.

سخنران بعدی دکتر آندرو نیومن، استاد مطالعات ایرانی و زبان فارسی در گروه مطالعات خاورمیانه دانشگاه ادینبورگ در اسکاتلند بود که مقاله خویش را با عنوان «گرایش‌های ضد اخباری در میان علمای اواخر عهد قاجار، مطالعه موردی: محمدباقر خوانساری» ارائه داد. دکتر نیومن با اشاره به مقاله‌ای که قبلاً در نشریه «مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن» نشر داده بود و در آن ضمن چاپ متن منیه الممارسین از شیخ عبدالله لاهیجی درباره فروق اخباری اصولی، یک بررسی نیز در این باره ارائه کرده بود، اشاره کرد که در آنجا نوشته است: محمدباقر خوانساری در اثر خویش، روضات الجنات از میان ۴۰ مورد اختلاف میان اخباریه و اصولیه، تنها ۲۹ مورد را ذکر کرده است، او یادآور شد که معمولاً مطرح شده است که به دلیل مبارزه بی‌گبر آقا محمدباقر بهبهانی (فوت ۱۲۰۸ ق / ۱۷۹۳-۴ م) و پس از قتل میرزا عبدالنبی تیشابوری، اخباریه تقریباً دیگر وجود نداشتند. از دید او اگر چنین شده باشد، دیگر زمینه‌ای برای این باقی نمی‌ماند که محمدباقر خوانساری در کتاب خویش بر آن شده باشد تا موارد اختلاف را که لاهیجی ۴۰ مورد مطرح کرده بود، به ۲۹ مورد تقلیل دهد. دکتر نیومن چنین نتیجه گرفت که با در نظر گرفتن عناوین موجود در روضات الجنات و مقایسه آنها با آنچه تنگابنی در کتاب قصص العلماء آورده است و نیز با بخش‌هایی از کتاب مستدرک الوسائل و نیز فیض القدسی تألیف حسین بن محمد نوری (فوت ۱۲۲۰ هـ / ۱۹۰۲ م) و همچنین با در نظر داشتن خاستگاه و رویه پژوهشی و علمی خوانساری و علاقه ویژه او به طرح موارد مربوط به اخباریه، خلاصه کردن ۴۰ مورد اختلاف مطرح شده از سوی لاهیجی به ۲۹ مورد بی‌ارتباط با دشمنی نسبت به اخباریه که پیش از او و نیز در زمان حیات او فعال بودند، نبوده است. پس از دکتر نیومن، آقای هرمز ابراهیم‌نژاد از بخش مطالعات تاریخ پزشکی در لندن درباره «ارتباط مذهب و طب در دوره قاجار» سخنرانی کرد. او در سخنرانی خویش کوشید تا ارتباط میان آموزش‌ها و عقاید مذهبی و علم پزشکی و کنش و واکنش رهبران مذهبی در این باره را با اشاره به امراض واگیر این دوران بررسی کند.

سخنران پس از آقای ابراهیم‌نژاد، دکتر تود لوسون بود که درباره «طرز تلقی علمای اوائل عهد قاجار از آراء فیض کاشانی» سخنرانی کرد. او در سخنرانی خویش درباره مخالفت شیخ احمد احسانی با آراء فیض کاشانی سخن گفت و انتقادات او بر فیض را مطرح کرد.

پس از سخنرانی دکتر لوسون، آقای سجاد رضوی، دانشجوی دکتری فلسفه در دانشگاه کیمبریج که اخیراً کار تألیف رساله خویش را درباره ملاصدرا به پایان رسانده و آماده دفاع از آن است، درباره «وجود و تقدس، دو رکن و جستار درباره خرد و تصوف در ایران عهد قاجار» سخنرانی کرد. تأکید او بر ارتباط میان وجود و ولایت در فلسفه شیعی بود، وی در سخنرانی خویش با اشاره به زمینه تاریخی بحث، آراء و اندیشه‌های سه تن از فیلسوفان را در این باره مورد بررسی قرار داد.

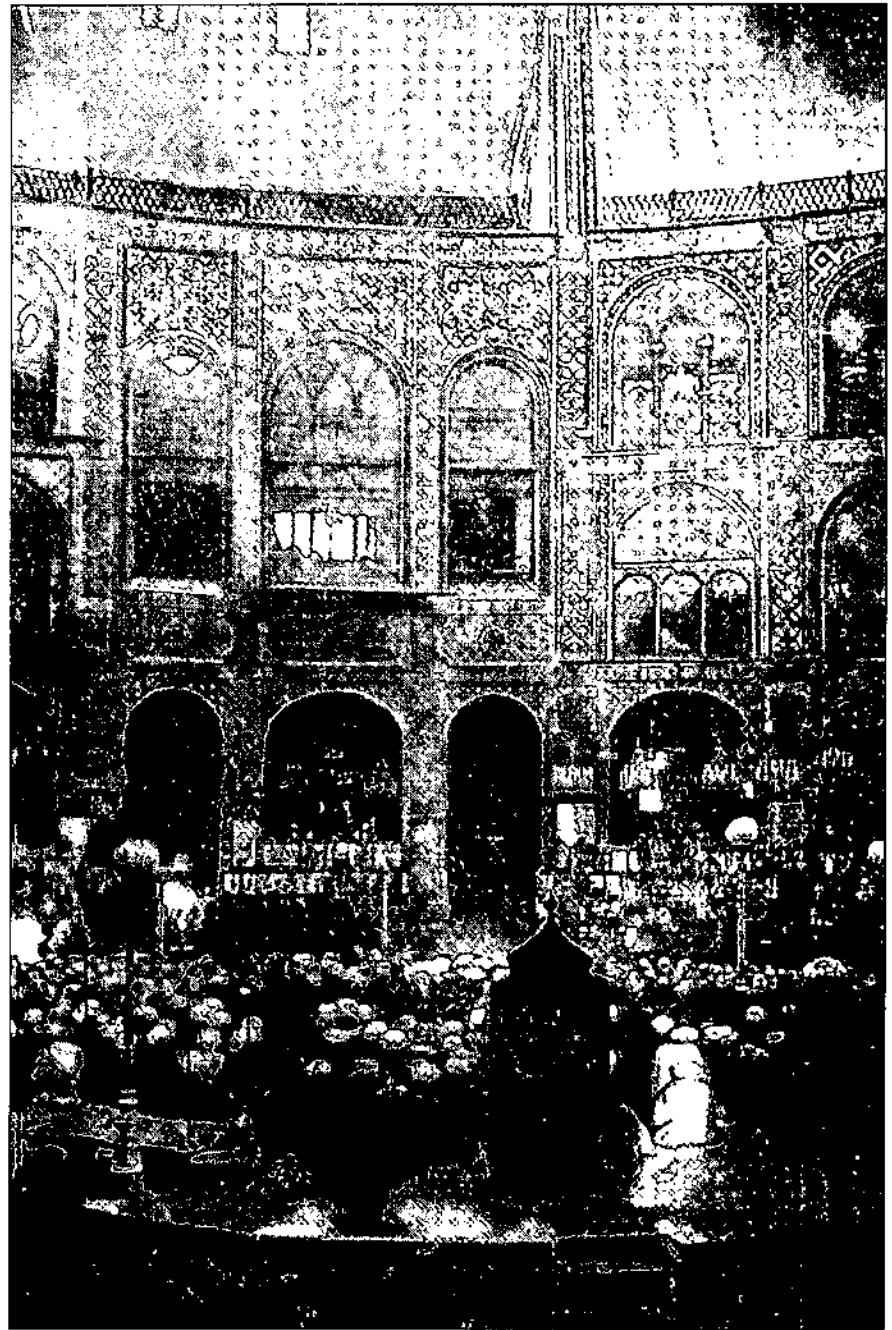
در جلسات بعد از ظهر کنفرانس، سه سخنرانی انجام شد. ابتدا دکتر خوان کوله از گروه تاریخ دانشگاه میشیگان درباره «شیخ الرئیس در شیراز و تهران: مقدمه‌ای بر انقلاب مشروطیت» سخنرانی کرد. دکتر کوله به این مطلب اشاره کرد که با وجود اهمیت آراء و دیدگاه‌های ابوالحسن میرزا شیخ الرئیس به عنوان شاعر و سیاستمدار اواخر عهد قاجار و به ویژه عهد انقلاب مشروطیت ایران، هنوز درباره او پژوهش‌های متعددی انجام نشده است. شیخ الرئیس از دید او شخصیتی درخور توجه است زیرا او در عین حال که شاهزاده‌ای قاجاری بود، شاعر و مجتهد نیز به شمار می‌رفت. از دید دکتر کوله آنچه ابراهیم صفایی در کتاب رهبران مشروطه درباره او نوشته است، کوتاه و دارای اشتباهاتی، هم در زمینه داده‌های تاریخی و هم استنتاجات او است.

دکتر کوله در سخنرانی خویش عمدتاً بر رویدادهای سال‌های ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۴ میلادی یعنی تا آستانه انقلاب مشروطیت تأکید کرد. او یادآور شد که شیخ الرئیس پس از آن که از دست ناصرالدین شاه به عثمانی پناه برد، در آنجا در برنامه اتحاد اسلام با سلطان عبدالحمید دوم، سلطان عثمانی همکاری کرد. او به دلیل فشارهای دولت ایران، نتوانست در استانبول بماند، بنابراین به هندوستان رفت و آقاخان از او حمایت کرد. مرگ ناصرالدین شاه به شیخ الرئیس امکان داد تا دوباره به ایران بازگردد. در این بازگشت او در شیراز اقامت کرد و به عنوان مشاور حاکم شیراز تا زمان اخراج وی از این شهر کار کرد. دکتر کوله نقش شیخ الرئیس را به عنوان یک متفکر بررسی کرد.

پس از دکتر کوله، دکتر حسین آبادیان از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین سخنرانی کرد.

موضوع سخنرانی دکتر آبادیان، «جامعه و مذهب در اندیشه حاجی آقا شیرازی» بود. سخنرانی او درباره نقش و دیدگاه‌های حاجی آقا شیرازی درباره دو گرایش مهم و یا دو دیدگاه مهم پس از افتتاح مجلس دوم نسبت به موضوع تفکیک یا آمیزش قانونگذاری توسط نمایندگان و حقوق مدنی و فقه و امور مذهبی بود. در مجلس دوم اقلیتی از نمایندگان، خواستار تفکیک دین از سیاست در این مقوله بودند اما اکثریت مجلس با آنان مخالفت کرد و حاجی آقا شیرازی از این گروه بود. از دید سخنران دیدگاه‌های حاجی آقا شیرازی همانند دیدگاه‌های آن دسته از رهبران مذهبی بود که در جنبش‌های اسلامی سده بیستم میلادی فعال بودند.

سخنران بعدی دکتر سهراب یزدانی، عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تربیت معلم تهران بود که سخنرانی خویش را با عنوان «روشنفکران بدعت‌گزار انقلاب مشروطیت ایران» ارائه داد. از دید دکتر یزدانی موضوع تأثیر ازلیان در انقلاب مشروطه از



شهر توکیو در ژاپن، مقاله خویش را تحت عنوان «وقف و مالکیت خصوصی منوچهرخان معتمدالدوله» ارائه داد. دکتر کندو که در زمینه مطالعات مربوط به اواخر قرن سیزدهم و اوایل دوره قاجار بسیار فعال است، در سخنرانی خویش ابتدا به این مطلب اشاره کرد که مطالعات مربوط به اوقاف در ایران، به دلیل دشواری‌های دسترسی به اسناد و مدارک وقفی هنوز رونقی ندارد. وی در مقاله خویش چندین سند و مدرک وقفی مربوط به منوچهر خان معتمدالدوله را مورد بررسی قرار داد و در عین حال خاستگاه مذهبی و اجتماعی و اقتصادی او را نیز بررسی کرد. دکتر کندو یادآوری کرد که گرچه معمولاً به منوچهرخان با نسبت گرجی اشاره می‌شود اما در حقیقت او نه گرجی بلکه یک ارمنی اهل تفلیس بود. در هنگام جنگ اول ایران و روس وی توسط نیروهای ایرانی اسیر شد و در ایران اسلام آورد و خدمتکار دربار شد. وی در مذاکرات مربوط به عهدنامه ترکمانچای شرکت داشت و به هنگام رویدادهای منجر به قتل گریبایدوف از کسانی بود که بدو توصیه کرد ایران را ترک کند که چنین نشد. در دوره محمدشاه او مأمور سرکوبی شورش‌های داخلی شد و برای مدتی حاکم کرمانشاه، لرستان و اصفهان شد. نکته مهم سخنرانی دکتر کندو این مطلب بود که حیات سیاسی او چگونه در اسناد و مدارک وقفی منعکس شده است. اسناد و مدارک مورد بررسی او یک وقفنامه، مدرکی مربوط به یک قنات و فهرست اموال شخصی او بود که پس از مرگ وی از سوی شاه تصرف شدند.

پس از دکتر کندو، دکتر کریستوف ورنر، استاد زبان فارسی و متخصص تاریخ تبریز در دوره قاجار در دانشگاه بامبرگ آلمان سخنرانی خویش را تحت عنوان «بازرگانان دیندار: احساسات مذهبی در وصیت‌نامه‌ها و میراث» ارائه کرد. کانون تمرکز بررسی دکتر ورنر، تأکید بر ارتباط میان بازار و علما در عهد قاجار بود. وی بر این اعتقاد بود که معمولاً پژوهشگران در پژوهش‌های خویش بر بررسی نقش علما تأکید می‌کنند در حالی که بخش مهم و مرتبط با آنان یعنی بازار معمولاً نادیده گرفته می‌شود. از دید او برای بررسی احساسات مذهبی بازار و بازرگانان لازم است وصیت‌نامه‌های آنان به عنوان یکی از راه‌های کشف احساسات و گرایش‌های مذهبی آنان مورد بررسی قرار گیرند. ارزش چنین بررسی‌هایی فقط پی‌بردن به احساسات مذهبی آنان نیست بلکه از این طریق می‌توان به فهرستی از اموال و دارایی‌هایی که برای مقاصد خاص مذهبی اختصاص داده می‌شدند، پی برد. بخش مهمی از محتوای این وصیت‌نامه‌ها، صرفنظر از آنچه به امور مربوط به مراسم پس از مرگ هر بازرگان اختصاص می‌یافت، مواردی بود که صرف امور خیریه می‌شد.

پس از دکتر ورنر، خانم آرهماگ، هیگوچی، درباره «مذهب در حیات خانوادگی و عمومی، مطالعه موردی: یغمای جندقی شاعر» سخنرانی کرد. سخنرانی او با تأکید بر بررسی نقش مذهبی و دیوانی یغمای جندقی به عنوان نوعی بررسی درباره پویایی امور مذهبی در حیات فردی در اوایل عهد قاجار انجام شد.

آخرین سخنران جلسه صبح حجت‌الاسلام و المسلمین آقای رسول جعفریان از کتابخانه تخصصی ایران و اسلام در شهر قم بود که سخنرانی خویش را تحت عنوان «حج‌گزاری ایرانیان در عهد

پرسش‌های اساسی است که تاکنون بدان پاسخ شایسته علمی داده نشده است. دکتر یزدانی در سخنرانی خویش این موضوع را که معمولاً در منابع و پژوهش‌های مربوط به انقلاب مشروطه، ازلیان نقشی مؤثر داشتند، را رد کرد. از دید ایشان، آنچه که بیش از همه محرک روشنفکران در زمینه انقلاب مشروطیت بود، ملیت، عدالت و آزادی بود.

سخنران، پس از دکتر یزدانی، خانم پردیس مینوچهر بود که فعلاً یک دوره پژوهش را در آنکارا سپری می‌کند.

خانم مینوچهر درباره «علمای مشروطه خواه عتبات و مطبوعات در تبعید» سخنرانی کرد. وی در سخنرانی خویش رویه‌های متفاوت علمای مشروطه خواه را در دوره استبداد صغیر مورد بررسی قرار داد و این موضوع را از منظر نامه‌ها و تلگراف‌های آنها در مخالفت با محمدعلی شاه که در مطبوعات در تبعید نشر یافتند، بررسی کرد.

در سومین و آخرین روز کنفرانس، در روز ششم سپتامبر، در جلسات صبح و عصر ۹ سخنرانی انجام شد. در جلسه صبح که نشست آن عنوان «منابع تحقیق در تاریخ اجتماعی و مذهبی» داشت، ابتدا دکتر نوبوآکی کندو، از گروه تاریخ دانشگاه متروپولیتن

قاجار» ارائه داد.

آقای جعفریان در سخنرانی خویش شرایط سفر سالیانه زیارتی حج به مکه را در خلال فرمانروایی قاجاران بررسی کرد. از دید او ایرانیان از چهار راه اصلی برای سفر حج استفاده می‌کردند. نخست راهی که از طریق خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند به دریای سرخ و سپس به بندر جدّه منتهی می‌شد. این راه معمولاً مورد استفاده ایرانیان ساکن جنوب ایران بود. راه دوم، راه نجف به مکه بود که معمولاً راهی پر دردسر به شمار می‌رفت. علیرغم اینکه این راه نزدیک بود، اما دشواری‌هایی مانند کمبود آب، حمله قطاع‌الطریق به زائران، آن را پرخطر می‌کرد. علاوه بر آن زیاده‌ستانی حاکمان عرب در مسیر راه نیز حاجیان را دچار دشواری‌ها و گرفتاری‌های عذاب‌آور می‌کرد. راه سوم از طریق شمال عراق و سوریه بود. در این مسیر حاجیان ابتدا به حلب می‌رسیدند. از آن پس از طریق یک مسافت نسبتاً طولانی خود را به مکه و مدینه می‌رساندند. این راه گرچه دراز بود، اما کم‌خطر به شمار می‌رفت. راه چهارم، راه دریای سرخ بود که از طریق استانبول و کانال سوئز حاجیان به جدّه می‌رسیدند. این راه از سال ۱۸۶۹ به بعد مورد استفاده قرار می‌گرفت. آقای جعفریان در مقاله خویش رفتار ناخوشایند ساکنان مکه و مدینه با زائران ایرانی را بررسی کرد. او مخصوصاً بر شرایط بد زائران ایرانی در مدینه تأکید کرد. از دید او بخش عمده‌ای از این رفتار ناخوشایند، به دلیل حضور ازبک‌های مهاجر از بخارا که ساکن مدینه بودند، صورت می‌گرفت. اما ایرانیان در مدینه پیوندی نزدیک با جماعت شیعه نخاونه در مدینه داشتند. آنان از یاری این شیعیان که خود در معرض آزار قرار داشتند، سود می‌بردند و در عین حال می‌کوشیدند تا با پرداخت پول به آنان یاری رسانند.

نخستین جلسه بعد از ظهر روز ششم سپتامبر با عنوان «اقلیت‌های مذهبی» از دیدگاهی قابل توجه بود. در این جلسه سه سخنران مقالات خویش را ارائه کردند. ابتدا آقای موجان درباره نقش یک دسته از زنان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم سخنرانی کرد. پس از او خانم سهیم مقاله خویش را تحت عنوان «شاهان، علما و یهودیان» ارائه کرد که در آن به بررسی وضع جامعه یهودی همدان و اقدامات ملا عبدالله همدانی در این زمینه پرداخت. سپس آقای مالکم دیو کتابدار کتابخانه زرتشتیان در لندن، درباره «یهود اوضاع زرتشتیان ایران در عهد قاجار» سخنرانی کرد.

او به این مطلب اشاره کرد که در عهد نادرشاه جمعیت زرتشتیان یزد و کرمان بالغ بر ۵۰۰۰۰۰ نفر بود در حالی که در عهد ناصرالدین شاه این رقم به ۷۲۰۰۰ تن تقلیل یافت. زرتشتیان یا «گبران» در این دوران وضع نامساعدی داشتند و قوانین دست و پاگیر، زندگی را برای آنان نامساعد می‌کرد. اما در پی تأسیس، «انجمن و بنیاد بهبود شرایط زرتشتیان ایران» که در سال ۱۸۵۲ شروع به کار کرد، وضع دگرگون شد و نخستین نماینده انجمن، مانیکجی لیمجی‌هاتاریا برای کمک به زرتشتیان به ایران اعزام شد. مانیکجی در سال ۱۸۶۰ با یاری پارسیان هند و بریتانیا و کمک سفیران بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده آمریکا توانست موافقت ناصرالدین شاه را جلب کند تا جزیه را از زرتشتیان بردارند. در ۲۷ سپتامبر ۱۸۸۲ شاه

فرمانی صادر کرد که براساس آن جزیه لغو گردید.

این مجموعه به فعالیت خود ادامه داد تا دیگر قوانین مربوط به زرتشتیان را نیز تغییر دهد، کاری که تا ظهور سلسله پهلوی ادامه یافت.

آقای دیو در سخنرانی خویش اشاره کرد که برای بررسی وضع جامعه زرتشتیان ایران از اسناد و مدارک مرکز زرتشتیان لندن، بهره برده است تا دستاوردهای مانیکجی و دو تن از نخستین اعضای پارسی پارلمان بریتانیا یعنی نانوروجی و بهوناگری و دیگر زرتشتیان درگیر در این مورد را بررسی کند.

در آخرین جلسه روز پایانی کنفرانس که به موضوع هنر و احساسات مذهبی اختصاص یافته بود، ابتدا آقای پدram خسرونژاد درباره «سنگ گورهای اسلامی و جلوه‌های مذهبی در آنها» سخنرانی کرد مقاله آقای خسرونژاد حاصل یک کار میدانی بود که در فاصله سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ در استان‌های فارس و بوشهر و در میان عشایر لر و ساکنان بومی این نواحی صورت گرفته بود. او برای بررسی خویش سنگ گورهای قاجاری موجود در منطقه مورد بررسی خویش را برای دریافت عقاید مذهبی مربوط به مرگ مورد پژوهش قرار داده بود. این سخنرانی با نمایش اسلایدهای مربوط به بررسی انجام شد. سخنران بعدی و در واقع آخرین سخنران، خانم جنیفر اسکور، مسؤول بخش ایرانی و اسلامی موزه ملی اسکاتلند بود. خانم اسکور، متخصص هنر ایرانی به ویژه کاشی‌های دوره قاجاری است، که در سخنرانی خویش به موضوع رابطه جلوه‌های تصویری مذهبی و فرهنگ عامه در کاشیکاری قاجاری اشاره کرد. او ضمن نمایش نمونه‌هایی از چنین کاشیکاری‌هایی، به انعکاس عقاید مذهبی و فرهنگ عامه به صورت جلوه‌های تصویری در آنها پرداخت. کنفرانس جامعه و مذهب در ایران عصر قاجار در شامگاه روز ششم سپتامبر / شانزدهم شهریور به کار خویش پایان داد.

این کنفرانس، زمینه‌ای مساعد را برای ارائه مقالاتی متنوع و با دیدگاه‌های گوناگون فراهم آورد. قرار است مجموعه مقالات ارائه شده در این کنفرانس در آینده نشر یابد و در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- عنوان این کنفرانس چنین بود:

Religion and Society in Qajar Iran. A one-Day workshop. ۳rd september ۱۹۹۸, St Antony's College Oxford.

۲- "Religion and Society in Qajar Iran". Clifton Hill House University of Bristol. ۴-۶ september ۲۰۰۰.

۳- حائری، عبدالهادی: نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، چاپ اول. امیرکبیر تهران، ۱۳۶۷. مخصوصاً نگاه کنید به فصل دوازدهم این کتاب. صفحات ۵۰۷-۵۴۵.

۴- Presbyterian

۵- متن فوئادالشیرازی به تصحیح و آماده نشر گشته است و به زودی منتشر خواهد شد.